رفیق پیمان باب الحوائجی

رفیق پیمان کارگر شیشه بر، در سال 1338 به دنیا آمد. پدرش کافه دار بود و با زنی مسیحی ازدواج کرده بود. پیمان مثل بسیاری از فرزندان طبقهٔ متوسط و آنها که زندگی شان همواره زیر فشار و تغییر و تحولات اجتماعی دگرگون می شود، بیشتر طعم تلخ زندگی طبقاتی را چشید و کم کم به علل آن پی برد. رشد فکری و آگاهی یافتن او از مسائل مبارزه طبقاتی با شکل گیری جنبش های اعتراضی، اعتصابات و دوران انقلابی سال های 56 – 57 مصادف بود. از همین رو پیمان به محض آگاهی یافتن از علل بدبختی ها و سیه روزی تودهٔ مردم، به صفوف معترضین پیوست و در تظاهرات و اقدامات ضد رژیمی دسته های مبارز مردم شهر خود شرکت کرد.

او ابتدا هوادار "سازمان چریک های فدائی خلق" بود و با رهنمودهای این سازمان علیه رژیم شاه و سرمایه داری مبارزه می کرد. پس از قیام و اعلام موجودیت " راه کارگر"، تحت تأثیر نقطه نظرات " سازمان راه کارگر" قرار گرفت و همواره از آن دفاع کرد و به تبلیغ و ترویج مواضع آن پرداخت.

به گفته ی یکی از رفقای هم شهری او: « پیمان به جرأت، یکی از فعال ترین جوانان شهر بود که از ماه ها قبل از قیام، با انرژی و تحرک بسیار در هر کجا که حرکتی وجود داشت دیده می شد».

« رفیق پیمان در زندگی کوتاه اما انقلابی خود، توانست محبوبیتی خاص در بین مردم و کسانی که او را می شناختند کسب کند».

پیمان در اواخر تابستان 60 در کرج در حالی که در بخش کارگری سازمان کار می کرد، به چنگ دشمن افتاد و به زیر شکنجه کشیده شد و جانانه مقاومت کرد. چند ماهی طول نکشید که تلفنی خبر اعدام رفیق را به خانواده اش دادند.

از سوی خانواده رفیق مراسم یادبودی به خاطرش برگزار گردید که مورد استقبال و همدردی مردم واقع شد. یاد رفیق پر شور و مؤمن ما، پیمان، این کارگر جوان و پرشور، از یادها نخواهد رفت و راهی را که او رفت، کارگران باز هم بیشتری خواهند پیمود. او برای فتح فردا و برپا کردن نظمی نو قلب خود را آماج گلوله ها ساخت، اما ضربان قلب او در آهنگ منظم قدم های طبقهٔ کارگر ایران که در راه فتح فردا و برپا کردن نظم نو، استوارانه به پیش می رود، شنیده می شود.